# بازتاب مؤلفه‌های اقتصادی در تاریخ‌نگاری حسن قمی

**طاهره نظری ایلخانی آبادی[1]، مجتبی گراوند[2] ، سید علاءالدین شاهرخی[3]، داریوش نظری[4]**

چکیده:

تاریخ قم اثر حسن بن محمد قمی (وفات ۴۰۶ق)، از برجسته‌ترین نمونه‌های تاریخ‌نگاری محلی در سده چهارم هجری است که ظرفیت منحصربه‌فردی برای مطالعه مناسبات اقتصادی و ساختارهای مالی این دوره فراهم می‌آورد. این پژوهش با رویکرد توصیفی‌ـتحلیلی و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای تاریخی، به واکاوی بازتاب مؤلفه‌های اقتصادی در این اثر و تحلیل پیوند میان اقتصاد و شریعت می‌پردازد. پرسش اصلی آن است که عناصر اقتصادی در تاریخ قم چگونه در چارچوب گفتمان عدالت‌محور امامی بازنمایی شده‌اند؟ مقاله با تمرکز بر سه محور «اداری–سیاسی»، «فقهی– حدیثی» و «تاریخی–وقایع‌نگارانه»، و با بررسی نمونه‌هایی چون ساختار مالیاتی، سازمان زمین‌داری و نقش دارالخراج و دارالضرب، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اقتصادی در بستری از مناسبات نهادی و گفتمانی معنا می‌یابند. یافته‌ها حاکی از آن است که تاریخ قم فراتر از روایتی توصیفی، حامل نوعی عقلانیت اقتصادی‌ـدینی است؛ عقلانیتی که در آن اقتصاد نه‌تنها ابزاری برای مشروعیت‌بخشی، بلکه عنصری بنیادین در سامان‌دهی اجتماعی تلقی می‌شود. از این منظر، تاریخ قم را می‌توان از نخستین الگوهای تاریخ‌نگاری اقتصادی در سنت امامی دانست که نسبت میان سیاست دیوانی، معیشت عمومی و عدالت توزیعی را به‌شیوه‌ای نظام‌مند بازتاب داده است.

**واژگان کلیدی**: تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، تاریخ‌نگاری، اقتصاد، عدالت توزیعی

---

[1] این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان«بینش و روش در تاریخ‌نگاری مورخان شیعه امامی از قرن سوم تا ششم هجری(مطالعه موردی:ثقفی کوفی،حسن بن محمد قمی و عبدالجلیل قزوینی)» دانشگاه لرستان است.

[2] دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد،ایران (نویسنده مسئول)garavand.m@lu.ac.ir

[3] استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد،ایرانshahrokhi.a@lu.ac.ir

[4] دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد،ایران nazari.d@lu.ac.ir

## ۱.مقدّمه و طرح مسئله

حسن بن محمد قمی (متوفای ۴۰۶ق)، از دانشوران برجسته‌ی شیعه امامی در قم قرن چهارم هجری بود که جز سال وفات، اطلاعات کمی از زندگی‌اش در دست است (فقیهی، ۱۳۹۳: ۲۴۱–۲۴۳؛ بروکلمان، ۱۹۶۹: ۲۹). وی که خود را «المنجم» می‌خواند، با گاه‌شماری ایرانی و امور دیوانی آشنایی داشت و احتمالاً شاگرد ابن بابویه یا شیخ صدوق بوده است (زینلی، ۱۳۹۸: ۱۸۳). اثر اصلی او، تاریخ قم، به زبان عربی و به‌تشویق صاحب بن عباد در ۳۷۸ق نگاشته شد و بر منابعی چون آثار برقی، دیوان‌های فارسی، اسناد مالیاتی و روایت‌های محلی تکیه دارد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۰–۱۳، ۵۶، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۳۳، ۲۳۹).

تاریخ قم افزون بر ارزش تاریخی، منبعی یگانه برای شناخت حوزه‌هایی چون اقتصاد، کشاورزی، قنوات و نظام مالیاتی در نواحی مرکزی ایران است (مشهدی، ۱۳۸۴: ۸۹). نسخه عربی آن تا سده نهم در دست بوده، اما پس از ترجمه‌اش به فارسی توسط تاج‌الدین عبدالملک قمی در حدود ۸۰۶ق، متن اصلی مفقود شده و تنها گزارشی از آن در دوره قاجار باقی ملنده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۷۸؛ افندی اصفهانی، ۱۴۳۱: ۳۱۹؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۶–۲۷؛ امین، ۱۴۰۳: ۲۴۷). اثر اصلی شامل پنجاه‌ویک فصل در بیست باب بوده که امروزه تنها پنج باب نخست آن در دست است (قمی، ۱۳۶۱: ۱۶–۱۹). این کتاب تاکنون سه‌بار تصحیح شده است: نخست در ۱۳۱۳ش به‌کوشش سید جلال‌الدین طهرانی، و بار دیگر در ۱۳۸۵ش در دو تصحیح مستقل مبتنی بر نسخه‌های متعدد (قمی، ۱۳۶۱: ۶۷–۵۹).

در تحلیل تاریخ‌نگاری اقتصادی، اهمیت آن فراتر از ارائه‌ی داده‌های مالی صرف است و به چگونگی تبیین مناسبات قدرت، شریعت و اقتصاد در چارچوب نهادی نیز بازمی‌گردد. تاریخ قم، به‌عنوان متنی بازمانده از سده‌ی چهارم هجری، امکان بازخوانی نظم مالی در ناحیه‌ای شیعه‌نشین تحت حاکمیت آل‌بویه را فراهم می‌سازد. این

نشـان می‌دهد که این عناصـر، فراتر از داده‌های معیشـتی، بازتاب‌دهنده‌ی انگاره‌ای از عدالت در سـاختار قدرت و حاکمیت دینی نیز هستند.تأمین معاش و تدبیر اقتصادی همواره یکی از دغدغه‌های بنیادین بشر بوده است. برخی مکاتب تاریخ‌نگاری مدرن، مانند مکتب آنال، زیسـت اقتصـادی را نه تنها لایه‌ای از حیات اجتماعی، بلکه بسـتر تحولات تاریخی می‌دانند (برودل، ۱۳۷۲: ۱۰–۸؛ رضـوی، ۱۳۸۸: ۹۳؛ Gardiner, 1988: 31–32). از این دیدگاه، اقتصـاد صـرفاً کنش‌های تولید، توزیع و مصـرف نیسـت، بلکه بازتابی از نظم نهادی، مناسـبات قدرت و تعامل با ساختارهای فرهنگی و مذهبی جامعه است (آصف‌زاده، ۱۳۸۵: ۲–۴).با وجود پژوهش‌های اخیر در تاریخ اقتصادی، تحلیل منابع محلی و پیوند آن‌ها با ساختارهای مشروعیت دینی و سیاسی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته اسـت (قنبری و نظری ایلخانی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۵–۱۴۴). تاریخ قم نه تنها یکی از کهن‌ترین آثار تاریخ‌نگاری محلی به زبان فارسی است، بلکه نمونه‌ای از بازتاب مفاهیم اقتصادی در متنی دیوان‌محور و فقه‌مدار نیز به‌شمار می‌رود. این اثر با اسـتفاده از اسـناد رسـمی و داده‌های ثبت‌شـده در دیوان‌های حکومتی، تصـویری کم‌نظیر از سازوکارهای اقتصـادی قم در قرن چهارم هجری ارائه می‌دهد و ظرفیت بالایی برای تحلیل مناسبات اقتصـادی در بستر قدرت دارد (قنوات، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

مسـئله‌ی محوری این پژوهش بررسـی بازتاب مؤلفه‌های اقتصـادی در تاریخ قم و وجود سـاختار منسـجم در حوزه‌های اقتصـاد دینی، عدالت توزیعی و نظم دیوانی اسـت. در جوامع اسـلامی، سـامان اقتصـادی در چارچوبی نهادی شـکل می‌گیرد که به‌طور مداوم با سـاختارهای قدرت و مشـروعیت در پیوند اسـت. خراج، وقف، زکات و خمس در این ساختار نه تنها به‌عنوان ابزارهای اقتصادی، بلکه به‌عنوان ابزارهای بازتولید مشروعیت و تثبیت نظم سیاسی عمل می‌کنند. مطالعه‌ی تاریخ قم می‌تواند نشان دهد که چگونه این مؤلفه‌های اقتصادی بخشی از یک شبکه‌ی معنایی گسترده‌تر هستند که در آن، سیاست و معیشت به‌هم پیوسته‌اند.

## ۲.پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر، مطالعات بسـیاری پیرامون تاریخ قم انجام شـده، اما هنوز شـکاف قابل توجهی در بررسـی ساختارمند مفاهیم اقتصادی در این اثر وجود دارد. تاکنون پژوهشی جامع که نحوه‌ی انعکاس مفاهیم اقتصادی در سـه حوزه‌ی «تاریخی و وقایع‌نگارانه»، «اداری–سـیاسـی» و «حدیثی–فقهی» در تاریخ قم حسـن قمی را تحلیل کند، انجام نشده است. بیشتر تحقیقات پیشین رویکردی کیفی و توصیفی داشته‌اند، در حالی که پژوهش حاضر با

روش تحلیل محتوای کمی و موضوع‌محور به ارائه تحلیلی کیفی و نظام‌مند از ساخت اقتصادی نهفته در متن، با تمرکز بر مفاهیمی چون خراج، ضراب، مساحت اراضی و سازوکار کاریزها پرداخته است.

پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین، رویکردی تحلیلی ساختارمند و چندوجهی ارائه می‌دهد. تحقیقات چهرازی (۱۳۸۰) در مقاله «جلوه‌های تاریخ اقتصادی در کتاب تاریخ قم» به تاریخ اقتصادی پرداخته اما فاقد تحلیل ساختارمند مفاهیم اقتصادی در بافت دیوانی و مذهبی آل‌بویه است. مشهدی (۱۳۸۴) در مقاله «جغرافیای تاریخی منطقه کاشان در تاریخ قم» فقط به توصیف جغرافیای تاریخی منطقه کاشان پرداخته و از تحلیل ساختارهای اقتصادی غافل است. همچنین، گزارش لمبتون (۱۳۸۰) که توسط نصرالله صالحی ترجمه شده بیشتر بر جایگاه تاریخ قم در سنت تاریخ‌نگاری ایران تمرکز دارد و تحلیل محتوای اقتصادی آن را نادیده می‌گیرد. معدن و پویای ایرانی (۱۳۸۶) در مقاله «خراج به روایت تاریخ قم» به مفاهیم مالی ساسانی پرداخته‌اند، اما تحلیل آنان توصیفی و فاقد توجه به نهادهای اقتصادی است. بیاتی و رجبی (۱۳۹۶) نیز در تحلیل جغرافیای تاریخی قم، به مباحث اقتصادی نپرداخته‌اند. در نهایت، مقدم للکلو (۱۳۹۳) با بررسی عناصر زرتشتی و فرهنگی ایران باستان در تاریخ قم، وارد تحلیل نظام اقتصادی و دیوانی دوره آل‌بویه نشده است. در نتیجه این پژوهش با رویکرد جامع‌تر و استفاده از ترکیب تحلیل محتوای کمی و موضوع‌محور، به تحلیل ابعاد اقتصادی و اداری کتاب «تاریخ قم» پرداخته است.

## ۳.روش‌شناسی تحقیق

برای بررسی مفاهیم اقتصادی در «تاریخ قم»، از روش ترکیبی تحلیل محتوا با رویکرد کمّی و کیفی استفاده شد. در بخش کمّی، مفاهیم اقتصادی مانند خراج، ضراب، کاریز و زکات با شمارش و دسته‌بندی نظام‌مند تحلیل شدند (سرمد، ۱۳۸۶: ۶۵؛ معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵، ۶۶). در بخش کیفی، با استفاده از الگوی موریس دوورژه، مضامین نهفته در مفاهیم استخراج‌شده تحلیل گردید (محمدی مهر، ۱۳۹۸: ۹). کل متن کتاب به‌صورت هدفمند و استقرایی بررسی شد و مفاهیم اقتصادی استخراج و در سه شاخص اصلی( تاریخی- وقایع نگاشتی، ادارای- سیاسی و فقهی- حدیثی) طبقه‌بندی شدند. سپس، نسبت درصدی هر مؤلفه محاسبه و نتایج نهایی در قالب نمودار و تحلیل مضمون ارائه شد

## ٤.یافته‌های پژوهش(فراوانی و درصد شاخص های اقتصادی در کتاب مورد نظر)

**جدول شماره ۱ فراوانی شاخص ها و مفاهیم اقتصادی در محتوای کتاب تاریخ قم(حسن قمی)**

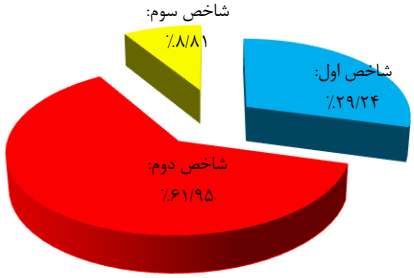
| | فراوانی مولفه ها و مفاهیم اقتصادی در محتوای کتاب تاریخ قم (حسن قمی) | | |
|---|---|---|---|
| | مولفه ها و مفاهیم (نمادها) | فراوانی | درصد فراوانی |
| شاخص اول: تاریخی-وقایع نگاشتی | گندم | ۴ | ۰/۱۵ |
| | نخود | ۶ | ۰/۲۲ |
| | پنبه | ۱۲ | ۰/۴۴ |
| | درخت | ۱۰۷ | ۳/۹۱ |
| | خربزه | ۳ | ۰/۱۱ |
| | هویج (جزر) | ۱ | ۰/۰۴ |
| | پیاز | ۵ | ۰/۱۸ |
| | سیر | ۱ | ۰/۰۴ |
| | شفتالو | ۱ | ۰/۰۴ |
| | گردو | ۶ | ۰/۲۲ |
| | زیتون | ۹ | ۰/۳۳ |
| | عدس | ۳ | ۰/۱۱ |
| | زعفران | ۱۶ | ۰/۵۸ |
| | شنبلیله | ۱ | ۰/۰۴ |
| | شبدر | ۱ | ۰/۰۴ |
| | پسته | ۱ | ۰/۰۴ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| | ارزن | ۱ | ۰/۰۴ |
| | انگور | ۵ | ۰/۱۸ |
| | اب و قنات | ۲۴ | ۰/۸۸ |
| | جوی | ۱۱۷ | ۴/۲۸ |
| | کاریز | ۱۸۵ | ۶/۷۶ |
| | رودخانه | ۲۹۱ | ۱۰/۶۴ |
| شاخص دوم: سیاسی-اداری | کشاورز | ۵۳ | ۱/۹۴ |
| | وزیر | ۸۳ | ۳/۰۳ |
| | کاتب | ۱۱۲ | ۴/۰۹ |
| | جهبذ | ۷۶ | ۲/۷۸ |
| | پرنده فروشان | ۱ | ۰/۰۴ |
| | غلامان و بردگان | ۱۵ | ۰/۵۵ |
| | جوزفروش | ۱ | ۰/۰۴ |
| | زمین دار | ۳ | ۰/۱۱ |
| | ضراب | ۱۰ | ۰/۳۷ |
| | صراف | ۸ | ۰/۲۹ |
| | رعیت | ۱۴ | ۰/۵۱ |
| | مساحت | ۲۱۴ | ۷/۸۲ |
| | درهم طلا دینار | ۳۷۰ | ۱۳/۵۲ |
| | مالیات و خراج | ۶۸۳ | ۲۴/۹۶ |
| | برات | ۱۲ | ۰/۴۴ |
| | روزنامج | ۷ | ۰/۲۶ |
| | معدن | ۳۳ | ۱/۲۱ |

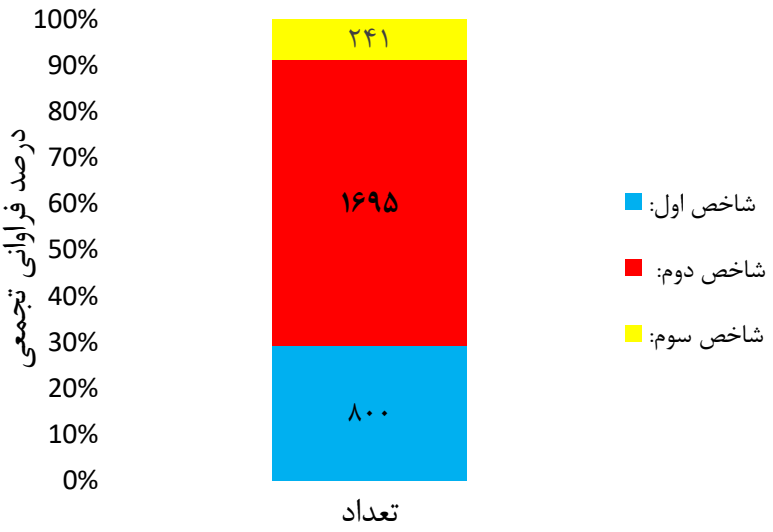
ویرایش نشده

| | | | |
|---|---|---|---|
| شاخص سوم: فقهی–حدیثی | نقیب (سادات) | ۱۰۰ | ۳/۶۵ |
| | فقها | ۲۰ | ۰/۷۳ |
| | زکات | ۱۹ | ۰/۶۹ |
| | صدقه | ۲۱ | ۰/۷۷ |
| | خمس | ۵۷ | ۲/۰۸ |
| | مزارعه | ۲۴ | ۰/۸۸ |
| | جمع کل | ۲۷۳۶ | ۱۰۰ |

**نمودار دایره ای شماره ۱ مقایسه فراوانی و درصد شاخص ها و مفاهیم اقتصادی در محتوای کتاب تاریخ قم(حسن قمی)**

| | در تمامی کتاب | |
|---|---|---|
| | فراوانی | درصد فراوانی |
|  | | |
| شاخص اول:تاریخی–وقایع نگاشتی | ۸۰۰ | ۲۹/۲۴ |
| شاخص دوم: سیاسی–اداری | ۱۶۹۵ | ۶۱/۹۵ |
| شاخص سوم:فقهی–حدیثی | ۲۴۱ | ۸/۸۱ |
| جمع کل: | ۲۷۳۶ | ۱۰۰ |

**نمودار میله ای شماره ۲ مقایسه فراوانی و درصد شاخص ها و مفاهیم اقتصادی در محتوای کتاب تاریخ قم(حسن قمی)**


100%
90%
80%
70%
60%
50%
40%
30%
20%
10%
0%
درصد فراوانی تجمعی
۲۴۱
۱۶۹۵
۸۰۰
تعداد
شاخص اول:
شاخص دوم:
شاخص سوم:

ویرایش نشده

## ٤-١.تجزیه و تحلیل کمی داده ها

بررسی محتوای کتاب تاریخ قم اثر حسن قمی نشان می‌دهد که بیشترین بسامد مفاهیم اقتصادی در شاخصه «سیاسی – اداری» دیده می‌شود. مؤلفه‌های پرتکرار این شاخصه شامل مالیات و خراج (۹۶/۲۴٪؛ ۶۸۳ مورد)، مبادلات پولی مانند درهم، دینار و طلا (۵۲/۱۳٪؛ ۳۷۰ مورد)، مساحت (۸۲/۷٪؛ ۲۱۴ مورد)، کاتب (۰۹/۴٪؛ ۱۱۲ مورد)، وزیر (۰۳/۳٪؛ ۸۳ مورد) و جهبذ (۷۸/۲٪؛ ۷۶ مورد) است. در شاخصه «تاریخی ـــ وقایع‌نگاشتی» نیز مفاهیمی چون رودخانه (۶۴/۱۰٪؛ ۲۹۱ مورد)، کاریز (۷۶/۶٪؛ ۱۸۵ مورد)، جوی (۲۸/۴٪؛ ۱۱۷ مورد)، درخت (۹۱/۳٪؛ ۱۰۷ مورد) و محصولات کشاورزی مانند هویج و پسته (۰۴/۰٪؛ ۱ مورد) مشاهده می‌شود. همچنین مشاغلی چون جوزفروش و پرنده‌فروش (۰۴/۰٪؛ ۱ مورد) و زمین‌دار (۱۱/۰٪؛ ۳ مورد) در پایین‌ترین سطح بسامد در همین شاخصه قرار دارند. در مقابل، کمترین توجه به مفاهیم اقتصادی در شاخصه «فقهی – حدیثی» معطوف به مفهوم زکات (۶۹/۰٪؛ ۱۹ مورد) و بیشترین تمرکز را بر مفهوم نقیب (۶۵/۳٪؛ ۱۰۰ مورد) دارد.

## ٥.تفسیر و ارزیابی کیفی داده‌ها

مفاهیم و شاخصه‌های اقتصادی با تلفیق مؤلفه‌های پرتکرار و کم‌بسامد در سه محور اصلی تحلیل شده‌اند. این رویکرد، که بر تحلیل نوین محتوای متون تاریخی استوار است، مبنای تفسیر کیفی پژوهش قرار گرفته است. محتوای تاریخ قم با تأکید بر نگرش حسن قمی، در سه شاخصه «تاریخی – وقایع‌نگاری»، «سیاسی – اداری» و «فقهی – حدیثی» سامان یافته و تحلیل کیفی آن در ادامه ارائه می‌شود. این تقسیم‌بندی، ضمن نمایان ساختن حوزه‌های تمرکز مؤلف، امکان ارزیابی دقیق‌تری از کارکرد مفاهیم اقتصادی در ساختار روایی اثر فراهم می‌آورد.

### ٥-١.تاریخی- وقایع نگاشتی

منظور از این عبارت امور روزمره اقتصادی مردم است که مورد توجه مورخ قرار گرفته است. دو جنبه مهم این موضوع محصولات کشاورزی و منابع آبی که بصورت پرتکرار در تاریخ قم مورد توجه واقع شده است. مولف تاریخ قم با ثبت این محصولات کشاورزی و منابع آبی قم در تدوین عناصر تاریخی ـ وقایع نگاشتی عصر خود گام برمی‌دارد.

### ۵-۱-۱ کشاورزی و منابع آبی در تاریخ قم

قم در دوره ساسانی بخشی از ایالت جبال و تابع اصفهان بود و به‌گزارش منابع، آتشکده‌های متعددی در آن وجود داشت (قمی، ۱۳۶۱: ۳۰). این شهر از دو بخش کهن منیجان و کمیدان تشکیل شده و منیجان در دوره ساسانی، هسته اصلی شهر بوده است. موقعیت قم در تقاطع راه‌های تجاری خراسان، ساوه و ری، زمینه‌ساز رونق کشاورزی و بازرگانی شد (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۰؛ ابن فقیه، ۱۳۰۲: ۲۴۷؛ ابودلف، ۱۳۴۱: ۳۱). این موقعیت، انتقال تولیدات زراعی به بازارهای گسترده را ممکن ساخت (قمی، ۱۳۶۱: ۲۶؛ ابن‌الفقیه، ۱۹۹۶: ۲۷۰). با مهاجرت قبایل عرب در قرن سوم، نظام آبیاری مختل و کشاورزی در قرن چهارم دچار افول شد (قمی، ۲۴۹، ۲۵۶). رقابت دولت عباسی، قبایل عرب و بومیان بر سر اراضی نیز به این روند دامن زد (محمدتقی بیک ارباب، بی‌تا: ۴۵، ۱۸۶)، اما دهقانان ایرانی با بهره‌گیری از منابع موجود، قم را به یکی از قطب‌های کشاورزی جبال تبدیل کردند (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

این تحولات به شکل‌گیری جامعه‌ای چندقومیتی انجامید که در آن عرب‌ها، مجوسان و دهقانان ایرانی در کنار یکدیگر می‌زیستند (کاظمی، ۱۳۸۹: ۶۱؛ دعبل خزاعی، ۱۳۷۶: ۵۶). دگرگونی‌های کشاورزی و اجتماعی قم در قرن سوم هجری بازتابی از تأثیر فرهنگ ساسانی و سیاست‌های مالی خلافت عباسی بود که نظم اقتصادی منطقه را متأثر ساخت و به تحولات فرهنگی-دینی انجامید.تولید محصولات متنوعی چون زعفران، دارچین، سنجد، کنجد، پسته، انگور، شبدر، پنبه، گندم، جو و قرطم، نشان از وابستگی معیشتی مردم به کشاورزی بومی و اهمیت آن برای دیوان مالیاتی دارد (قمی، ۱۳۶۱: ۴۸، ۶۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۶۳، ۱۸۲). ابن حوقل به باغ‌های پسته و فندق قم، قزوینی به خربزه‌های شیرین آن و مقدسی به کیفیت زعفران و پارچه‌های این شهر اشاره کرده‌اند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۷۸؛ قزوینی، ۱۳۷۱: ۵۱۳؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۵۹۲). وضعیت کشاورزی در قم طی قرون نخستین اسلامی در تاریخ قم بازتابی از ساختار اقتصادی و اداری جامعه آن روزگار است که حسن قمی به‌تفصیل به آن پرداخته است. تنوع محصولات کشاورزی، نرخ خراج، نظام مزارعه و سازوکارهای دیوانی از جمله نکات مهمی‌اند که در گزارش وی مورد توجه قرار گرفته‌اند. نویسنده با ارائه فهرستی از میزان خراج محصولات

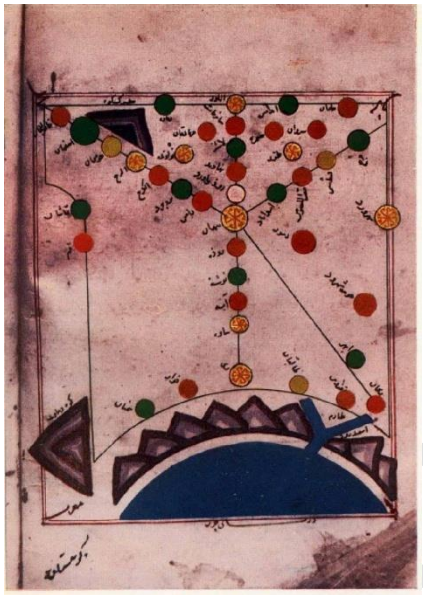
مختلف نشـان می‌دهد که کشـاورزی قم از تنوع اقتصـادی چشـم‌گیری برخوردار بوده اسـت. برای نمونه، خراج برخی اقلام چنین ثبت شـده اسـت: زعفران ۲۳۰ درهم، پنبه ۶۲ درهم، عدس ۶۰ درهم، کنجد ۴۰ درهم، درخت گردوی بارور ۲ درهم و آسیاب ۳۰ درهم (قمی،۱۳۶۱: ۶۵-۶۲).

این نرخ‌ها حاکی از نظامی مالیاتی‌اند که بر پایه‌ی نوع و ارزش اقتصادی هر محصول تعیین می‌شد. افزون بر آن، کشاورزی منطقه عمدتاً بر اساس قراردادهای مزارعه و مشارکت میان صاحبان زمین و زارعان ــ از جمله اهل ذمه ــ سامان می‌یافت. بنا بر گزارش مؤلف، در صورت ناتوانی یک زارع از پرداخت خراج، بدهی وی میان سایر مؤدیان همان ناحیه سرشکن می‌شد؛ امری که به نارضـایتی کشـاورزان و شـکایت آنان انجامیده اسـت ( قمی، ۱۳۶۱: ۶۹-۶۸). همچنین پرداخت خراج پیش از انتقال غله به انبار الزامی بود و تا پیش از ارائه‌ی رسـید پرداخت، زارع حق جابه‌جایی محصـول را نداشـت (قمی،۱۳۶۱: ۶۷-۶۶).عنوان «قم» در منابع، تنها ناظر به شـهر نبوده، بلکه «رسـتاق قم» را نیز دربر می‌گرفته است؛ ناحیه‌ای وسیع با راه‌های راهبردی که سـاختار آن با مدینه مقایسـه شـده است (قمی،۱۳۶۱: ۷۷؛ سـرلک، ۱۳۹۰: ۲۷). عواملی همچون افزایش شـمار بردگان و کارگران مزدور، مهاجرت اشـــعریان، و تقســـیم جغرافیایی منطقه بر محور رودخلنه‌ی قم، در رونق کشـــاورزی و شکل‌گیری شبکه‌های اقتصادی نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند (قمی، ۱۳۶۱: ۴۹-۴۷، ۲۵۱-۲۴۹؛ ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۰). از نظر زبانی نیز، کاربرد اصـطلاحاتی مانند «ضـیاع خارجیّه» (زمین‌های بیرون از محدوده‌ی مرکزی)، «مسـاحت» (اندازه‌گیری رسـمی زمین برای تعیین خراج)، و «حق‌آبه» (سـهم مشـخص از آب) در تاریخ قم بازتابی از ذهنیت دیوانی و اداری حاکم بر روایت حسن قمی است ( قمی، ۱۳۶۱: ۱۰۷، ۱۲۴، ۱۸۰).

در همین راسـتا، از چهره‌هایی چون حمزه بن یسـع و محمد بن علی بن سـهل یاد شـده اسـت که در فرایند مسـاحت‌گذاری، تنظیم خراج و تقسـیم منابع نقشـی مؤثر ایفا کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۸، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۸۵). این افراد، واسـطه‌هایی میان دولت و مردم و عاملان تثبیت نظم اداری-ـــسیاسی تلقی می‌شدند. در این روایت، کشاورزی و منابع آبی به‌مثابه ابزارهای کنترل حکومتی بازنمایی شـده‌اند.با تسـلط دیلمیان، نظام دیوانی جای خود را به سـاختار اقطاع داد؛ تغییری که به تضـعیف کشـاورزی انجامید (قمی، ۱۳۶۱: ۵۱-۳) هرچند در دوره‌ی صـاحب بن عباد تلاش‌هایی برای احیای اوضـاع صـورت گرفت (قمی،۱۳۶۱: ۵). در ری و جبال نیز اقطاع رواج داشت؛ ساختاری که با وجود نقش آن در مهار نوسانات پولی، موجب کاهش درآمدهای مالیاتی گردید (Bosworth, 1965: 160؛ متحده، ۱۳۸۸: ۴۶).

دوره‌ی آل‌بویه، قم را به یکی از شـهرهای مهم مرکز ایران بدل سـاخت. حسـن قمی گزارش می‌دهد که این کوره از چهار رستاق با ۳۶۵ دیه تشکیل شده و ۵۱ آسیاب ـــ شامل ۳۹ آسیاب آباد و ۱۲ آسیاب خراب ـــ داشته است (قمی،۱۳۶۱: ۵۳، ۵۶). این شـمار آسـیاب، از جمله آسـیاب‌های بادی، حکایت از بهره‌برداری بهینه از منابع و توسـعه‌ی تأسـیسـات آبیاری دارد (نائینی، ۱۴۲۳: ۲۱۷/۱، ۲۲۳).در ساختار اقتصادی قم، آب نقشی محوری داشته است. قمی با ذکر قنات‌ها، کاریزها و واژگانی چون «مُسـتقها» و «کاریز»، از نظامی دقیق در محاسـبه و تخصـیص منابع آبی خبر می‌دهد (قمی،۱۳۶۱: ۴۱، ۸۱، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۱). تأمین آب در زمسـتان از کاریزها، رودخانه و چاه‌های محجّر انجام می‌شـده (قمی،۱۳۶۱: ۴۰) و سـرچشـمه کاریزها از «کسـریشـت» تا «هفته‌دوش» امتداد داشـته اسـت (قمی،۱۳۶۱: ۴۳؛ نائینی، ۱۴۲۳: ۱۵۵/۱). اسـتمرار اصـطلاحاتی چون «ناوقه»، «سَـروز و گوشـیه»، «قومش» و «قورجات» (قمی، ۴۴) نمایانگر انتقال سـنت‌های سـاسـانی به دوره اسـلامی، به‌ویژه آل‌بویه، در عرصـه آبرسـانی و تقسـیم منابع اسـت. این تداوم، نشـانه‌ای از بهره‌گیری از میراث بومی برای تثبیت نظم اجتماعی و اقتصـــادی به‌شـــمار می‌رود.وجود حمام‌های متعدد (قمی،۱۳۶۱: ۱۵، ۲۷) و فهرســت کاریزهایی چون اســفندق، آتشـمرزه، مهرین، شـک‌جشـمه و یعلی‌آباد، اهمیت آب را در آبیاری و حیات شـهری نشـان می‌دهد (قمی،۱۳۶۱: ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۸۱، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۱). بازســـازی کاریزها در زمان مؤیدالدوله دیلمی (۳۶۵–۳۷۳ق) به رونق کشـــاورزی انجامید (عرب‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۳–۴۴). رودخانه اناربار یا قم‌رود، که از ارتفاعات خوانسار سرچشـمه گرفته و از اصـفهان به قم می‌رسـید، در توســعه کشـــاورزی و جغرافیای شـــهری نقشـــی کلیدی ایفا می‌کرد (افضـــل‌الملک، ۱۳۷۹: ۷۵؛ قمی، ۱۳۶۱: ۴۱، ۴۵، ۴۶).نمونه‌ای از این بهره‌برداری را می‌توان در اقدام سـعد بن مالک بن أحوص دید که با احداث روسـتایی در نزدیکی دروازه ری، جوی آبی از قم‌رود برای اراضی خود ایجاد کرد (قمی، ۱۳۶۱: ۴۵). همچنین چشمه‌هایی چون بشک‌چشمه و آتشمرزه در ناحیه ابرشـتجان، افزون بر نقش اقتصـادی، جایگاهی نمادین در فرهنگ ایرانی و اسـلامی داشـتند (قمی،۱۳۶۱: ۷۰۵–۷۰۳). در تاریخ قم، منابع آبی نه‌فقط پایه‌ی اقتصـاد کشـاورزی، بلکه بخشـی از سـازمان‌دهی اجتماعی و دیوانی بوده‌اند و در سـطحی نمادین، پیوندی میان طبیعت و فرهنگ دینی مردم قم برقرار کرده‌اند. ازاین‌رو، بازنمایی کشـاورزی و آب در روایت قمی، توصـیفی فراتر از معیشـت روزمره اسـت و از نظمی اداری، پیوند دین و اقتصـاد و اسـتمرار سـنت ایرانی در چارچوب خلافت عباسی خبر می‌دهد.

موقعیت قم و کاشان در سمت چپ نقشه به عنوان بخشی از ایالت جبال (اصطخری،۱۳۷۳: ۱۶۲)



صورت دیار جبال ( قهستان )
(ورق 79 b)

## ۵-۲.اداری- سیاسی:

برخی پژوهشگران نگارش تاریخ قم را متأثر از سنت دیوان‌سالاری و ادبیات وزارتی دانسته‌اند (بوسعیدی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۰۶). محتوای کتاب نشان می‌دهد که شاخص سیاسی–اداری بیشترین بسامد مفاهیم اقتصادی را دارد. اصطلاحاتی مانند «خراج»، «درهم»، «دینار»، «برات»، «کاتب»، «وزیر» و «جهبذ» به‌علاوه نهادهایی چون دارالضـرب و دارالخراج، نمایانگر ساختاری دیوانی و منسجم‌اند. قمی با ترسیم عملکرد این نهادها، قم را جزئی از نظام مالی معرفی می‌کند، جایی که خراج فراتر از مالیات، بیانگر رابطه پیچیده میان حکومت و طبقات اجتماعی است. دقت مؤلف در ثبت اصطلاحات اداری، از آشنایی او با سازوکارهای حکومتی حکایت دارد (قمی، ۱۳۶۱: ۳۸، ۳۹، ۱۰۱، ۱۳۵–۱۳۳، ۱۴۲، ۱۹۱).

### ۵-۲-۱. مشاغل و توانمندی‌های تولیدی در تاریخ قم

از ویژگی‌های بارز تاریخ قم، توجه مؤلف به ثبت و حفظ نام مشاغل رایج در سده چهارم هجری است که نشان‌دهنده گرایش او به بازنمایی ساختار اقتصادی–اجتماعی جامعه است. این ویژگی، که در آثار تاریخ‌نگاران دیگر نیز دیده می‌شود (مستوفی، ۱۳۷۸: ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۹)، از درکی واقع‌گرایانه و جامعه‌شناسانه نسبت به پویش‌های درونی شهر حکایت دارد. تنوع مشاغل

ثبت‌شـده در این اثر، از برزگر و دهقان گرفته تا جوزفروش، ضـراب، صـراف، نقیب، کاتب، مسـتوفی، خباز، چاه‌کن، باغبان، حناط و روغن‌فروش، تصویری جامع از سازمان معیشتی و حرفه‌ای قم است (قمی، ۱۳۶۱: ۳۹، ۶۴، ۶۹، ۱۴۳، ۲۴۶، ۲۹۸). اشاره به «موضع الزیاتین» به‌عنوان بازار اختصاصی روغن‌فروشان نیز حاکی از وجود فضاهای تخصصی صنفی است (قمی، ۱۳۶۱: ۶۴). ثبت این جزئیات، علاوه بر ارائه اطلاعات درباره ساختارهای شغلی و صنفی، نشانگر تجربه زیسته مؤلف در درون این نظم اجتماعی اسـت. تحلیل قمی درباره چگونگی شـکل‌گیری طبقه‌ای جدید از زمینداران اشـعری که با انتقال سـرمایه از کوفه در قم به قدرت اقتصـادی دسـت یافتند، نکته‌ای مهم در فهم تحرک طبقاتی آن زمان اسـت. قمی تأکید می‌کند که این فرایند در بستری شکل گرفت که «عموم مردم قم درویش حال بودند» (قمی،۱۳۶۱: ۳۱). از این منظر، توجه مؤلف به مشاغل، نظام مالی و جایگاه اقتصادی خاندان‌ها، وی را در زمره نویسندگانی قرار می‌دهد که تاریخ را نه‌تنها از منظر رخدادهای سیاسی و دینی، بلکه به‌عنوان بازتابی از بافت اجتماعی و اقتصادی جامعه ترسیم کرده‌اند.راه‌های مواصلاتی قم در قرون نخستین اسلامی، این شهر را به نقطه‌ای کانونی در شبکه ارتباطی و اقتصادی ایران بدل کرد. منابع قرن سوم هجری، قم را در تقاطع چند شاهراه مهم چون راه‌های خراسان، عراق، کاشان، جبال، همدان، ساوه و آوه معرفی کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۶؛ محمدتقی بیک ارباب، بی‌تا: ۱۳-۱۲). این موقعیت راهبردی، بهره‌مندی از مسیرهای بین‌المللی مانند راه ابریشم و مسیر ادویه را ممکن ساخت و با تولید اسب‌های برید برای پیک‌های تندرو، قم را در ساختار ارتباطی خلافت عباسی برجسته کرد (قمی، ۱۳۶۱: ۳۰). گزارش‌های یعقوبی و ابن‌الفقیه نیز بر نقش ارتباطی قم به‌عنوان گذرگاهی میان جنوب و شرق ایران، با تمرکز بر دیر گچین تأکید دارند (یعقوبی، ۱۳۶۶: ۴۹؛ ابن‌الفقیه، ۱۹۹۶: ۲۷۰). اقدامات عمرانی ساسانیان و وجود ۱۳ دروازه در شهر، گواهی بر مرکزیت و پویایی قم در شبکه راه‌های ایران است (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۹۳؛ ابودلف، ۱۳۴۱: ۷۱؛ قمی، ۱۳۶۱: ۲۶). با این حال، قرار داشتن در چنین مسیرهایی، در کنار رونق اقتصادی و مذهبی، قم را در سده‌های سوم و چهارم درگیر کشمکش‌های نظامی کرد و استقلال آن را تضعیف ساخت.

بر همین اساس، تاریخ قم توانمندی‌های اقتصادی این منطقه را به‌خوبی نمایش می‌دهد. شواهد موجود نشان می‌دهند که قم از منابع طبیعی ارزشمندی برخوردار بوده است. یکی از مهم‌ترین این منابع، معادن اطراف شهر است؛ از جمله معدن نمک

قم که در منابع، به‌ویژه آثار برقی، به کیفیت بالای نمک آن تأکید شده است. برقی این نمک را «خالص و فاقد آمیختگی با خاک» معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد این معدن در دامنه کوهی قرار داشته که قمی نیز در توصیف خود، به ویژگی‌های جغرافیایی آن اشاره کرده است (قمی، ۱۳۶۱: ۷۵؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۲۰۰). افزون بر این، در تاریخ قم و منابع هم‌عصر آن، به معادن فلزاتی چون آهن، زر، نقره و طلا در کوه عقاقیر اشاره شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۸۷، ۱۶۸). همچنین در روایتی مربوط به دوره ساسانی، از معدنی به نام «ارزیر» یاد شده که در صحاح الفرس از آن به‌عنوان ماده‌ای «سپیدرنگ» نام برده شده و احتمالاً به فلز قلع اشاره دارد (نخجوانی، ۱۳۵۵: ۱۲۱). در مجموع، ترکیب توجه به ساختارهای شغلی، نظام صنفی، تحولات طبقاتی و ظرفیت‌های منابع طبیعی، تاریخ قم را به اثری کم‌نظیر در شناخت اقتصاد محلی و سازمان اجتماعی در قلمروهای شیعه‌نشین قرون نخست هجری تبدیل کرده است؛ اثری که در آن تاریخ، آینه‌ای برای بازتاب زیست‌جهان مادی و معیشتی مردم این سرزمین است.

### ۵-۲-۲. خراج و دارالضرب در تاریخ قم

نظام خراج در قم، همچون دیگر نواحی ایران، ریشه در ساختارهای مالی پیشااسلامی داشت و با ورود اسلام و مهاجرت اشعریان، در چارچوب فقه اسلامی بازتعریف شد. خراج که از دوره هخامنشی با عنوان «خراگ» شناخته می‌شد، یکی از کهن‌ترین مالیات‌های ارضی بود و در دوره‌های مختلف، گاه با اجحاف همراه می‌شد و نارضایتی مردم را برمی‌انگیخت(کریستن‌سن، ۱۳۷۸: ۸۷–۸۹؛ اجتهادی، ۱۳۶۳: ۲۱۵؛ اشپولر، ۱۳۶۴: ۲۹۴؛ گراوند، نظری و جعفری،۱۳۹۷: ۱۵۶).حسن قمی منشأ خراج را به اردشیر بابکان نسبت داده و کیقباد را واضع «عُشر» و بنیان‌گذار «دیوان عدل» می‌خواند (قمی، ۱۳۶۱: ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۶۰). قمی به اصلاحات مالی انوشیروان و جایگزینی مقاسمه با نظام خراج اشاره کرده است. با ورود اسلام و اشعریان، الگوهای مالی ساسانی در قالب فقه اسلامی بازتعریف شد و ساختار مالی قم با نهادهایی چون دارالخراج و دارالضرب شکل گرفت. دارالضرب در خانه یزد بن نار مجوسی، مسئول دارالخراج، قرار داشت (قمی،۱۳۶۱: ۱۱۷، ۱۱۹–۱۲۱). انصاری محل آن را در محله سیدون و چهارمردان می‌داند (نورصادقی، ۱۳۱۶: ۲)، اما قمی قدمت آن را رد می‌کند (قمی،۱۳۶۱: ۱۲۱).

در ساختار دیوان‌سالاری قم، دارالضرب و دارالخراج نقش کلیدی داشتند. دارالضرب قم در دوره مهدی عباسی و با تأخیری به‌سبب وابستگی به ضرابخانه اصفهان شکل گرفت و حرفه ضرابی در آن موروثی بود (قمی،۱۳۶۱: ، ۱۲۱–۱۱۹؛ نورصادقی، ۱۳۱۶: ۲).همچنین، وجود دارالسکه و گزارش‌هایی از ضرب سکه در نیمه قرن سوم، جایگاه مالی–اداری قم را در ساختار خلافت عباسی نشان می‌دهد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۰۶). تداوم کتیبه‌های پهلوی بر سکه‌ها، استمرار نظام پولی ساسانی را نشان می‌دهد (قمی، ۱۲۱، ۳۷۵–۳۷۶؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۳۶۰). در سده چهارم، قم با دارالضرب فعال و ثبت در میان ۶۵ ضرابخانه، جایگاه اقتصادی خود را در دوره آل‌بویه تثبیت کرد (Treadwell, 2001: XIV). سکه‌های این دوره، که ترکیبی از نمادهای ساسانی و اسلامی بودند، نشان از تأثیر نظام پولی عباسی و آل‌بویه دارند و قم را به یکی از مراکز مهم تولید سکه‌های مسین و طلا بدل ساختند (مایلز، ۱۳۶۳: ۳۲۰؛ بیتس، ۱۳۸۵: ۸۱).

**جدول مقایسه ضرب سکه قم و ایالت های همجوار بر اساس گزارش لوک تردول**

| نام ضرابخانه | کد | ایالت | سال ضرب | توضیحات | صفحه کاتالوگ | صفحه تصویر |
|---|---|---|---|---|---|---|
| همدان | Ha | جبال | ۳۳۵–۴۰۹ | ضرب فعال طلا | ۱۶۹–۱۷۶ | ۱۲۹–۱۳۲ |
| اصفهان | Is | جبال | ۳۲۳–۳۹۳ | ضرب طلا | ۱۷۷–۱۸۳ | ۱۳۳–۱۳۸ |
| قم | Qu | جبال | ۳۳۷–۴۰۳ | ------- | ۲۲۵–۲۲۹ | ۱۶۰–۱۶۲ |
| محمدیه(ری) | Mu | جبال | ۳۳۵–۴۳۲ | افزایش ضرب طلا | ۱۹۵–۲۱۷ | ۱۴۴–۱۵۵ |

بررسی روایت قمی از ساختار مالیاتی قم نشان می‌دهد که مالیات‌ستانی در این منطقه نه‌تنها ابزاری برای تأمین درآمد دولت، بلکه عرصه‌ای برای کشاکش قدرت‌های محلی و مرکزی بوده است. انتقال تدریجی مسئولیت اخذ خراج از مأموران عباسی به جنگجویان دیلمی، و سپس به جهبذان، بازتابی از تحولات سیاسی و اداری گسترده‌تر در خلافت عباسی است (قمی،۱۳۶۱: ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۶۷؛ نیز نک: درکسلر، ۱۳۸۳: ۶۰–۶۱).تأسیس دیوان مستقل مالیاتی در قم، نشانگر اهمیت اقتصادی این شهر و نیز نوعی تلاش برای اعمال کنترل مستقیم بر منابع آن است (قمی،۱۳۶۱: ، ۳۸۲–۳۸۱). اشاره حسن

قمی به ۲۴ نوع مالیات ناروا (قمی،۱۳۶۱: ۱۹۰–۱۸۸) و چندین نوبت مساحت‌برداری رسمی، نشان‌دهنده تعارض‌های مزمن میان مردم و مأموران مالیاتی و تلاش برای سامان‌دهی این نظام است. در تاریخ قم نیز همچون مصرِ فاطمی، فشارهای مالیاتی و بی‌عدالتی اقتصادی به ناآرامی‌های اجتماعی انجامید؛ امری که به‌روشنی پیوند میان امنیت و اقتصاد را برجسته می‌سازد (گل مکانی، جان احمدی، ۱۴۰۲: ۱۶۰).

قمی هشت نوبت مساحت‌برداری را گزارش می‌کند که نخستین‌بار در سال ۱۸۹ هجری و به دستور حمزه بن یسع انجام شد (قمی،۱۳۶۱: ۱۰۶–۱۰۱) و پنجمین آن در سال ۲۲۷ هجری به فرمان ابوالجارود، که خراج قم را یک میلیون درهم برآورد کرد، اما به‌دلیل مخالفت مردم، از شهر گریخت برای مقایسه بهتر در جدول آمده است(قمی،۱۳۶۱: ۱۰۶–۱۰۵).سنجش اراضی برای تعیین دقیق میزان خراج، بازتابی از رویکردی عقلانی و مبتنی بر داده‌سنجی است که از سنت‌های دیوان‌سالاری پیشااسلامی ایران، به‌ویژه دوره ساسانی، الهام گرفته و در ساختار مالی دولت اسلامی بازتولید شده است.در مجموع، روایت قمی تصویری از یک نظام مالیاتی پیچیده، متحول و تنش‌زا ارائه می‌دهد که در آن عناصر سنت ایرانی، واقعیت‌های اجتماعی قم و الزامات حکمرانی اسلامی به‌طور هم‌زمان حضور دارند.

**جدول مقایسه مأمور مساحت در کتاب تاریخ قم و واکنش اجتماعی**

| ردیف | سال | دوره حاکم خلافت | مأمور مساحت | نتیجه | نکات مهم |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۸۹ هق | هارون الرشید | حمزه بن یسع | احتمالا انجام نشده | به مساحت قبلی اصفهان اکتفا شد |
| ۲ | ۱۹۲هق | هارون الرشید | عامربن عمران اشعری | -------- | آغا شد نتیجه مشخص نیست |
| ۳ | ۲۱۲هق | مأمون | علی بن عیسی طلحی | بیش از ۷۰۰ هزار درهم | مخالفت مردم و عزل مأمور |
| ۴ | ۲۲۵هق | معتصم | یسع بن حمزه و محد بن هاشم | -------- | ثبت در کتابچه مساحت قم |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | ۲۲۷هـق | واثق | ابوالجارود منذر بن منصور | ۳ میلیون درهم | مأمور پس از دو سال رفت |
| ۶ | ۲۸۴هـق | معتضد | بشر بن خرج | ۳ میلیون درهم و کسری | بر اساس آن بیشتر اعتماد شد |
| ۷ | ۲۹۱هـق | مکتفی | یحیی بن اسحاق | کمتر از مساحت پیشین | درخواست مردم برای مأمور عادل |
| ۸ | ۳۰۲هـق | مقتدر | فرستادگان علی بن عیسی | ۳ میلیون درهم | مساحی معتبر دیگر |

همچنین، در منابع مالیاتی دوره عباسی، خراج قم و کاشان بازتابی از جایگاه اقتصادی این منطقه است. در زمان معتصم (۲۲۵ق)، درآمد قم و کاشان سه میلیون درهم بود (قدامه،۱۳۷۰: ، ۱۶۲،۱۴۳). این رقم در زمان واثق (۲۳۲ق) به دو میلیون درهم کاهش یافت (ابن خرداد به، ۱۳۷۱: ۳۵)، که نشان‌دهنده کاهش تولید یا اصلاحات مالی است. در دوره مقتدر (۳۰۶ق)، درآمد قم بدون کاشان حدود ۲۷۷٬۴۵۸ دینار (بیش از ۲.۷ میلیون درهم) گزارش شده (شاکر الدجیلی،۱۳۷۹: ۲۰۵، ۲۰۷)، که از احیای اقتصادی و تفکیک دیوانی قم حکایت دارد. این روند، گویای تحول ساختار مالی و ارتقای جایگاه قم در نظام خلافت است.

**جدول مقایسه خراج قم و کاشان در دوره عباسی**

| توضیحات | درهم(خراج میزان) | سال | منبع |
|---|---|---|---|
| کاشان و قم دوره معتصم | ۳،۰۰۰،۰۰۰ | ۲۲۵ ق | قدامه بن جعفر کتاب الخراج |

| | | | |
|---|---|---|---|
| کاشان و قم دوره واثق | ۲،۰۰۰،۰۰۰ | ۲۳۲ ق | مسالک و ممالک ابن خرداذ به |
| فقط قم دوره مقتدر درهم به دینار تبدیل شد | ۲،۷۷۴،۵۸۰ | ۳۰۶ق | بیت المال شاکر الدجیلی |

افزایش خراج قم از سه به هفت میلیون درهم، این شهر را به کانون اعتراضات مردمی بدل ساخت و موجب دو لشکرکشی از سوی خلافت شد (طبری، ۱۴۱۷: ۴۱/۵، ۱۷۴). در پی ناکامی والیان، خراج به خاندان اشعری اقطاع داده شد؛ گروهی که با سلطه بر منابع کشاورزی، امنیت منطقه را برای تداوم بهره‌برداری مالی حفظ کردند (نائینی، ۱۴۲۳: ۲۲۵/۱). همسوی با این امر، قمی به نارضایتی مردم از ستم مأمورانی چون صلح بن شیرزاد اشاره می‌کند؛ جمله‌ی «قُمْ یَا صَلَحُ وَ خُذْ قَلَمَکَ وَ ادْخُلِ النّارَ» بیانگر تأملات اخلاقی جامعه در برابر ظلم دیوانی است، جایی که «قلم» نماد قدرت اداری و «آتش» کنایه از مجازات الهی تلقی می‌شود (قمی،۱۳۶۱: ۱۸۶–۱۸۵). تحلیل تاریخ قم نشان می‌دهد که نظام مالیاتی این شهر در قرن سوم هجری، افزون بر اتکای بر احکام فقهی، بر انعطاف‌پذیری اجرایی و دقت در ارزیابی و اخذ مالیات نیز استوار بود. تنوع مالیات‌ها، از مشاهره تا مالیات بر حوض‌های دوشاب، بازتاب نزدیکی این ساختار به سنن دیوانی ساسانی است (قمی،۱۳۶۱: ۱۰۹، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۶۸). حسن قمی در توصیف این نظام از اصطلاحات دیوانی‌ای چون «باب»، «عشیر»، «قفیز» و «جریب» بهره می‌گیرد که استمرار واحدهای سنجش پیش از اسلام را بازتاب می‌دهد (قمی،۱۳۶۱: ۱۱۱–۱۱۰).میزان خراج قم بر پایه‌ی معیارهایی همچون نوع محصول، کیفیت خاک و عمق ریشه، طبق الگویی موسوم به «هفت وضیعه»، میان سه تا پانزده درهم برای هر جریب تعیین می‌شد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۱۲). پرداخت اغلب به‌صورت جمعی صورت می‌گرفت؛ به‌گونه‌ای که در صورت ناتوانی یکی از دهقانان، دیگران سهم او را می‌پرداختند؛ مدلی که به تقویت همبستگی اجتماعی می‌انجامید. این ساختار، ترکیبی از سازوکارهای دیوانی خلافت عباسی، شرایط بومی و کنش مردمی بود. قمی این دوران را عصری از کشاکش مردم با دولت مرکزی در مسئله خراج معرفی می‌کند (قمی،۱۳۶۱: ۱۵۰). در این زمینه، نهادهایی چون دارالخراج و دیوان استیفاء در قم فعال بودند و مأمورانی مانند جهید ناظر، جهبد، صراف و کاتب خراج

نقش‌آفرینی می‌کردند. کاربرد اصطلاحاتی چون صک، برات، مال نصف‌العشر، نصاب اغنام ثلاثه و استخراج، از پیچیدگی و تخصصی بودن این نظام حکایت دارد (قمی،۱۳۶۱: ۱۷۴–۱۵۸)

اصلاحات مالی صاحب‌بن‌عباد—از جمله بازتنظیم سهم خراج و بازنگری در نحوه‌ی وصول آن—نشان‌دهنده‌ی تلاشی هدفمند برای کاهش فشار مالیاتی و بازگرداندن توازن میان توان اقتصادی مردم و درآمد دولت بود (قمی، ۱۳۶۱، ۱،۱۵۴). قمی گزارشی دقیق از نوسانات نرخ خراج قم در بازه‌ای حدود ۱۴۰ ساله (۲۰۵–۳۴۵ هـ) ارائه می‌دهد؛ از تقسیم زارعان و اهل ذمه به دو طبقه‌ی مالیاتی با مبالغ ۲۴ و ۱۲ درهم در سال، تا افزایش نرخ خراج از ۱۷ به ۲۰۰ دینار و نهایتاً تثبیت آن بر ۱۰۹ دینار، به دنبال اعتراضات مردمی و مداخله‌ی ابوالحسن عباد بن عباس، وزیر آل‌بویه، در سال ۳۴۵ هجری (قمی، ۱۳۶۱: ۱۱۲–۱۱۳، ۱۴۵–۱۴۶).تحلیل تطبیقی این نرخ‌ها، به‌ویژه در مقایسه با مناطقی چون نهاوند و همدان، نشان می‌دهد که نظام خراج‌ستانی سده‌های نخست هجری از انعطاف‌پذیری بالایی در مواجهه با تفاوت‌های اقلیمی و اقتصادی برخوردار بود. برای نمونه، نرخ خراج گندم آبی در قم برای هر جریب شش درهم و نیم، اما در همدان به‌طور میانگین هشت درهم و دو دانگ تعیین شده بود (قمی، ۱۳۶۱: ۱۲۰–۱۲۲). تفاوت نرخ خراج برای محصولاتی چون زعفران، جو، عدس و سبزیجات، بازتابی از ارزش اقتصادی و تقاضای محلی آن‌ها بود. همچنین شیوه‌ی آبیاری بر میزان خراج اثرگذار بود؛ زمین‌های مشروب از رودخانه، به سبب هزینه‌ی کمتر، خراج کمتری داشتند، در حالی‌که زمین‌های وابسته به چاه یا قنات، به دلیل هزینه‌ی بیشتر، خراج بالاتری می‌پرداختند (قمی،۱۳۶۱: ۱۱۲، ۱۲۰). این تمایز در درختان بارده نیز مشهود است؛ چنان‌که گردوی پربار و متوسط هر دو یک و نیم، و نوع ضعیف، نیم درهم خراج داشتند (قمی،۱۳۶۱: ۱۱۰، ۱۱۲).

نظام خراج قم از دوره ساسانی تا عصر آل‌بویه، تحولی تدریجی و متأثر از تحولات سیاسی و فقهی را پشت‌سر گذاشت. ابتدا مبتنی بر اراضی سلطنتی بود و با ورود اسلام، مفاهیمی چون «ارض خراجیه» و «عشری» به آن افزوده شد. در دوره عباسی، نهادهایی مانند دارالخراج و جهبذ سامان آن را بر عهده داشتند و در عصر آل‌بویه، ابزارهایی چون تسعیر برای تعدیل مالیات به‌کار رفت. واگذاری زمین‌های دولتی به نظامیان و گسترش اقطاع، ساختار اقتصادی قم را دگرگون کرد و عدالت مالی را به چالش کشید (الدوری، ۱۳۸۲: ۵۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۰/۲). استقلال اداری قم از اصفهان، نیاز به محاسبه مستقل خراج را

پدید آورد و سنجش‌های مکرر مساحت، بازتاب چالش‌های مالیاتی و کنش‌گری آگاهانه قمیان بود؛ کنش‌گرانی که با اعتراض و مذاکره، عدالت مالیاتی را به مطالبه‌ای عمومی تبدیل کردند.

### ۵-۳. فقهی- حدیثی:

با آن‌که شاخص فقهی–حدیثی از نظر آماری بسامد کمتری دارد، اما در تحلیل مناسبات اقتصادی، نقش بنیادینی در پیوند شریعت با نظم دیوانی ایفا می‌کند. مفاهیمی چون زکات، خمس، خراج و مزارعه، در این چارچوب نه صرفاً احکامی عبادی، بلکه سازوکارهایی برای تنظیم مالکیت، توزیع منابع و مشروعیت سیاسی‌اند. در سنت فقه امامی، این مفاهیم ذیل فقه‌الارض و فقه‌المال تعریف می‌شوند: فقه‌الارض به احکام شرعی مرتبط با زمین، مالکیت و بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌پردازد، و فقه‌المال ناظر به تنظیم شرعی دارایی، درآمد و مالیات‌های دینی چون زکات و خمس است. تاریخ قم نیز با ارجاع به سیره‌ی امام علی(ع)، الگویی از حکمرانی دینی بر پایه‌ی عدالت مالی در برابر نظام مالیاتی ناعادلانه ارائه می‌دهد.

روایت علی بن محمد بن سهل در سال ۱۱۶ هجری که خراج کوره‌ی قم را مشروط به عدالت و رعایت شریعت کرد، نمونه‌ای از حکومتی است که شریعت را معیار مشروعیت اقتصادی می‌داند (قمی،۱۳۶۱: ۱۵۴). در این دوره، عالمان حل‌وفصل بسیاری از روابط حقوقی را بر عهده داشتند، هرچند هنوز تشکیلات منسجمی نداشتند. مکتب‌های فقهی اهل‌سنت و شیعه در حال شکل‌گیری بودند و تا قرن ششم تثبیت شدند و حدود آن‌ها روشن‌تر گشت (متحده، ۱۳۸۸: ۳۴). در فقه امامی، پرداخت خراج و عوارض در مزارعه و مساقات بسته به شرط عقد قرارداد است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۳۸/۱؛ سید مرتضی، ۱۳۹۸: ۲۰۹/۱). فقهایی چون شیخ مفید و سید مرتضی، خراج را مالیاتی شرعی می‌دانستند که باید در منافع عمومی مصرف شود. این نگرش نه‌تنها به مشروعیت سیستم مالیاتی اسلامی کمک کرد بلکه در دوران آل‌بویه به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌سازی دولت عمل کرد. تحلیل تاریخ قم می‌تواند فرصت مناسبی برای بازخوانی این مفاهیم فقهی در بستر سیاست مالی آن دوره باشد.

در بخش خراج و مالیات تاریخ قم، نویسنده با استناد به اسناد دیوانی و مساحت‌نامه‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از شیوه‌های محاسبه‌ی مالیات، ریشه در سنت‌های محلی پیش از اسلام داشته و پس از اسلام با مفاهیم فقهی مانند «تملیک صحیح شرعی» تلفیق شده‌اند. در توصیف یکی از این مساحت‌نامه‌ها آمده است: «و ایشان مالکند به تملیک صحیح شرعی، و در

دست ایشان دری و نافذ به حقی ثابت و ملکی صحیح و صریح در قدیم‌الدهر» (قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۱). مساحت‌نامه‌ی محمد بن مجمع که در این روایت به‌مثابه سند مالکیت معرفی شده، نشانگر رواج سنجش دقیق اراضی و اهمیت حقوقی آن‌ها در ساختار اقتصادی شهر است؛ به‌گونه‌ای که چنین اسنادی در تنظیم سیاهه‌های مالیاتی به کار می‌رفته و بیانگر آن‌اند که «این مساحت‌نامه حکم سند مالکیت را داشته است» (قمی،۱۳۶۱: ۱۹۲).این بینش کارکردی دوگانه داشت: هم سامان‌دهنده‌ی نظم مالی دیوان بود و هم به مشروعیت حاکمیت شیعی یاری می‌رساند. احکام فقهی مزارعه و مساقات نیز برای ایجاد توازن میان مالکیت و نیروی کار به‌کار گرفته شدند؛ توازنی که در تاریخ قم با نهادهایی مانند جهبذ و مسّاح، به‌عنوان واسطه میان دیوان و مردم، صورت‌بندی نهادی یافته است. در نهایت، شاخص فقهی–حدیثی لایه‌ای معنایی بر مناسبات اقتصادی قم می‌افکند؛ لایه‌ای که در آن فقه نه تابع اقتصاد، بلکه بستر تفسیر و تنظیم آن محسوب می‌شود.

### ۵-۳-۱. عدالت توزیعی

عدالت توزیعی به توزیع موجه منابع و خیرهای اجتماعی میان اعضای جامعه اشاره دارد (هیوود، ۱۳۸۷: ۱۷۷)؛ مفهومی که می‌توان ردپای آن را در تاریخ قم نیز دنبال کرد. با قدرت‌یابی آل‌بویه، نخستین حکومت ایرانیِ مسلط بر خلافت عباسی (ابن‌الطقطقی، ۱۹۹۷: ۲۷۰؛ لین‌پول، ۱۳۶۳: ۱۲۸؛ باسورث، ۱۳۷۱: ۱۵۵؛ ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۴: ۱) و شکل‌گیری فضای باز سیاسی، زمینه‌ای نو برای بازاندیشی مفاهیم عدالت و مشروعیت در سنت اسلامی، به‌ویژه نزد اندیشمندان شیعی فراهم آمد. آدام متز این دوره را به‌درستی «رنسانس اسلامی» خوانده است (کرمر، ۱۳۷۵: ۳۴).

در چنین فضایی، بازخوانی الگوی حکمرانی علوی امکان ظهور یافت؛ الگویی مبتنی بر عدالت مالیاتی، رعایت انصاف و پیوند دین و سیاست. حسن بن محمد قمی در تاریخ قم، متأثر از این زمینه، تصویری آرمانی از حکومت مطلوب ارائه می‌دهد؛ حکومتی که رفتار حاکمان در حوزه خراج و مالیات را تابع اصول اخلاقی و دینی می‌داند. استناد او به نظارت‌های امام علی(ع) بر کارگزاران مالی، عزل عاملان ستمگر و تأکید بر عدالت در سنجش پیمانه و ترازو، (قمی،۱۳۶۱: ۱۸۸–۱۸۷) صرفاً گزارشی تاریخی نیست، بلکه بازتاب نوعی صورت‌بندی معرفتی از حکمرانی عادلانه است.قمی در تاریخ قم، عدالت مالی را به‌عنوان معیاری برای سنجش مشروعیت حکومت مطرح می‌کند و این آرمان را در چهره‌هایی چون صاحب بن عباد، وزیر آل‌بویه، که دغدغه‌ی رفاه مردم و عقلانیت دیوانی را توأمان داشت، متجلی می‌بیند. برخلاف آثار مشابه که عمدتاً به قواعد کلی

مالیات‌ستانی پرداخته‌اند، تاریخ قم با استناد به سیره‌ی امام علی(ع)، بر اهمیت عدالت مالی در مشروعیت سیاسی تأکید می‌ورزد و بخشی از گفتمانی است که در بستر اقتدار آل‌بویه و آموزه‌های علوی، اخلاق را مبنای مشروعیت قدرت می‌سازد.در همین راستا، قمی بر اصل تناسب میان توان اقتصادی افراد و میزان مالیات تأکید دارد؛ نقل مشهور «از اهل سوزن، سوزن و از اهل ریسمان، خراج ستاندن» (قمی،۱۳۶۱: ۱۸۸–۱۸۷)، ناظر بر نوعی نگاه طبقاتیِ عادلانه در توزیع مالیات است.

از نظر او، عدالت در اخذ خراج نه‌تنها ناظر به رعایت حقوق فرودستان و دقت در ابزارهای سنجش است، بلکه در تعارض آشکار با نظام ناعادلانه و فاسد عصر خود قرار دارد. وی از جمله «در این زمان و روزگار، خراج می‌ستانند و باقی درآمد را غارت می‌کنند» (قمی،۱۳۶۱: ۱۶۶)؛ توصیفی ارائه می دهد که با زبانی انتقادآمیز وضعیت اقتصادی را به چالش می‌کشد. او حتی به شکایات مردم از نهادهای محلی، مانند امیر نهاوند، در مورد مالیات‌هایی چون «طسق» و «وضیعه» اشاره می‌کند (قمی، ۱۳۶۱:

۱۸۲؛ لمبتون، ۱۳۳۹: ۷۷۵–۷۷۹). این موارد، گویای دغدغه‌ی جدی مؤلف نسبت به اصلاح معیشت عامه مردم و نقد ساختارهای اقتصادیِ ستم‌محور است.در عین حال، با تأمل در نقش نهادها در اقتصاد (نورث، ۱۳۷۷: ۱۸۵)، می‌توان دریافت که تاریخ اقتصادی قم در سده چهارم هجری، گویای تأثیر تعیین‌کننده‌ی نهادهای رسمی چون دیوان مالیاتی، دارالخراج، وقف و دیوان ضرب در کاهش هزینه‌های معاملاتی و تثبیت ساختار اقتصادی است. در کنار این نهادهای رسمی، نهادهای غیررسمی مانند خمس، زکات و اقتدار فقهی نیز با مشروعیت‌بخشی به قدرت سیاسی و تقویت عدالت توزیعی، در تحکیم نظم اجتماعی نقش‌آفرین بوده‌اند.

قمی در تاریخ قم تمرکز خود را بر مسائل اقتصادی و مالی نهاده و نقدها و رهنمودهای او نیز عمدتاً در همین چارچوب است. او همان‌گونه که سیاست‌های اقتصادی خلفای عباسی را مورد انتقاد قرار می‌دهد، از عملکرد برخی حکمرانان ایرانی نیز غافل نمی‌ماند. در دوره‌ی دَورِه و شمگیر، یکی از امیران، مالیات سرانه‌ای موسوم به «مشاهره» را بر مردم قم تحمیل کرد. قمی این اقدام را یکی از رسوم ناپسند دانسته و می‌نویسد: «و این مشاهره مدتی بر سرها وضع کرده بودند و ارباب خراج روزگاری به سبب آن در بلا و زحمت بودند» (قمی،۱۳۶۱: ۲۴۵). او از اقدام برادر خود، ابوالقاسم کاتب، والی قم، در لغو این مالیات به

دستور رکن‌الدوله و با همکاری وزیر وی، ابوالفضل بن عمید، تمجید می‌کند: «تا آنگاه که برادرم ابوالقاسم کاتب والی شد، مال مشاهره را از اصل عقد به اذن رکن‌للدوله و به عنایت ابوالفضل بن عمید وضع کرد و ذکر آن به کلی بیفتاد» (قمی،۱۳۶۱: ۲۴۵).در ادامه، قمی از دیگر فشارهای مالیاتی بر مردم قم نیز یاد می‌کند؛ از جمله اختصاص سهمی به «اصحاب سیارات» (سپاهیان متحرک) و هزینه اسکان عاملان حکومتی، که بر دوش مردم نهاده شده بود. او با صراحت می‌نویسد: «این عین ظلم است. پس از آن با رکن‌الدوله در این باب شکایت کردند و تظلم نمودند، او با مبلغ دویست دینار آورد و زیاده بر آن طرح فرمود و ترک کرد» (قمی،۱۳۶۱: ۲۶۵).نکته‌ی قابل تأمل آن‌که، قمی در کنار نقد، رهنمودهایی نیز درباره‌ی فلسفه‌ی وضع خراج ارائه می‌دهد. از منظر او، اصل وضع مالیات بر مردم با هدف حمایت از آنان و حفظ امنیت دارایی‌ها و فرزندانشان مقرر شده است: «نگذارند به هیچ آفریده از ارباب خراج بهیچ وجهی مضرت و مکروهی برسد و اموال و اولاد و املاک ایشان محفوظ و مصون بود» (قمی،۱۳۶۱: ۱۶۴). با این حال، در عمل، همین ابزار مالی به عاملی برای ظلم و اجحاف بدل شده است: «این مالی است که ارباب خراج جهت صلاح خود داده‌اند تا بدیشان شری و مکروهی عاید نشود، نه برای آنکه اصلی گردانند و برایشان وبالی سازند» (قمی،۱۳۶۱: ۱۶۵).قمی در تاریخ قم با استناد به اصل «الحمایهٔ ثم الجبایهٔ» تأکید می‌کند که حمایت از رعایا بر اخذ مالیات مقدم است: «وظیفه اول آن است که رعایا را حمایت کنند... بعد از آن از ایشان خراج بستانند» (قمی،۱۳۶۱: ۱۶۴؛ ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۹: ۲۸۳). این دیدگاه که در مواضع مختلف اثر تکرار شده، بیانگر دغدغه‌ی او نسبت به معیشت مردم و مسئولیت حکومت در تأمین امنیت و مقابله با تعدی مأموران است. به باور وی، نظام مالیاتی عادلانه می‌تواند به ثبات و آرامش اجتماعی منجر شود (قمی،۱۳۶۱: ۲۸۴).

### ۵-۳-۲.واجبات مالی و نهادهای دینی در تاریخ قم

خمس، یکی از واجبات عبادی اسلام، پس از غزوه بدر تشریع شد و برخلاف زکات، به بنی‌هاشم اختصاص دارد. این فریضه یک‌پنجم مازاد درآمد و غنائم را شامل می‌شود و در فقه اسلامی، متعلق به امام معصوم (ع) و حاکم اسلامی دانسته شده است. مؤلف تاریخ قم به نقل از صولی، از ابومالک عامر اشعری به‌عنوان نخستین کسی یاد می‌کند که پیش از نزول آیه خمس، بخشی از غنائم را در راه خدا اختصاص می‌داد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۹۱؛ صولی، ۱۳۴۱: ۲۰۰/۱). وی می‌نویسد که خداوند از عمل او خشنود بود و به آیه ۴۱ سوره انفال استناد می‌کند. همچنین اشعریان قم را نخستین گروهی می‌داند که خمس

اموال خود را وقف کرده و به ائمه (ع) پرداختند (قمی،۱۳۶۱: ۲۷۸).بر پایه‌ی گزارش‌های تاریخ قم، ساختار اقتصادی و اداری این شهر در دوره‌ی اسلامی بر نهادهایی چون وقف و مرافق استوار بود. مرافق، شامل منابعی چون خراج، صدقات، جزیه و اموال منقول و غیرمنقول، نقشی کلیدی در تنظیم مناسبات مالی، اجتماعی و دینی ایفا می‌کردند. برای نمونه، در متن آمده است: «تقدیر مال صدقات هر سالی جز از مال خراج ده هزار دینار مستثنی...» (قمی،۱۳۶۱: ۱۶۸) که بیانگر استقلال و گستردگی نهاد صدقات نسبت به منابع حکومتی است. همچنین، تنوع کارکردهای مرافق در تأمین ارزاق، پرداخت دستمزد و اداره‌ی امور دیوانی، پیوند آن را با لایه‌های مختلف اجتماعی نشان می‌دهد. وقف، در قالب مدیریتی دینی–اقتصادی، نقشی پویا و سازگار با تحولات سیاسی و شهری ایفا می‌کرد. زکات نیز به‌عنوان یکی از واجبات اسلامی، بر اساس نوع آبیاری محصولات به دو دسته‌ی «نیم عشر» (۵٪ برای محصولات با آبیاری مصنوعی) و «عشر» (۱۰٪ برای آبیاری طبیعی) تقسیم می‌شد و نصاب آن برای غلات، پنج وسق (۸۴۹.۱۳۹۲ کیلوگرم) بود (قمی،۱۳۶۱: ۱۶۹). همچنین، منصب نقیب برای رسیدگی به امور مالی سادات و اهل بیت در ساختار اداری قم جایگاه ویژه‌ای داشت.

## نتیجه گیری

تاریخ قم صرفاً یک وقایع‌نگاری محلی نیست، بلکه بازتابی از نظم اقتصادی عقلانی در دولت‌های شیعی نخستین به شمار می‌رود. در این اثر، مفاهیمی چون خراج، زکات، دارالضرب و خمس، در قالبی نهادی و در پیوند با ساختار دیوانی، فقه امامی و عدالت اقتصادی وتوزیعی تعریف شده‌اند. برخلاف بسیاری از آثار تاریخ‌نگاری سده چهارم هجری که بر رویدادهای سیاسی متمرکزند، تاریخ قم با بهره‌گیری از اسناد دیوانی و روایت‌های فقهی، الگویی جامع از تاریخ‌نگاری اقتصادی عرضه می‌کند. همچنین، با استناد به سیره امام علی(ع)، عدالت مالی را به معیاری برای سنجش مشروعیت حکومت تبدیل کرده و از چارچوب‌های کلی فراتر رفته است.این اثر تصویری از نظمی اقتصادی ارائه می‌دهد که در آن عقلانیت نهادی (مانند سنجش، نرخ‌گذاری و دیوان‌سالاری مالی) و آموزه‌های دینی (همچون خمس، زکات و عدالت توزیعی) به‌صورت توأمان حضور دارند. از این رو، تاریخ قم را می‌توان متنی نمونه‌وار در سنت اقتصاد سیاسی شیعی دانست که بازاندیشی در جایگاه آن

را ضـروری می‌سـازد. سـه بُعد اصـلی در تحلیل آن برجسـته اسـت: بُعد تاریخی–معیشـتی با تمرکز بر زندگی روزمره و زیرسـاخت‌های تولید؛ بُعد سـیاسـی–اداری با تمرکز بر مناسـبات مالی و سـازمان‌های دیوانی؛ و بُعد فقهی–حدیثی با تأکید بر مشـروعیت دینی کنش‌های اقتصادی. در این میان، بُعد سیاسی–اداری جایگاهی محوری دارد و از بسامد بیشتری برخوردار است. بدین‌سان، تاریخ قم را می‌توان اثری تحلیلی در سنت تاریخ‌نگاری امامی دانست که با زبانی اقتصـادی، صـورت‌بندی خاصی از عدالت و نظم اجتماعی دینی را ترسیم می‌کند.

## کتابنامه


آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق) *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت: دارالاضواء

افندی اصـفهانی، عبدالله بن عیسـی (۱۴۳۱ ق) *ریاض العلماء و حیاض الفضـلاء*، تحقیق: احمد حسـینی اشـکوری، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی

ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵) *اعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قرچانلو، تهران: امیرکبیر

ابن‌طقطقی، محمدبن علی‌بن طباطبا (۱۹۹۷م) *تاریخ فخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: علمی و فرهنگی

ابن الفقیه همدانی(۱۹۹۶) *البلدان*، بیروت: عالم الکتب

ابن خردادبه (۱۳۷۱) *مسالک و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران : انتشارات تاریخی میراث ملل

ابن حوقل، محمد (۱۳۶۶) *سفرنامه ابن حوقل*، ترجمه و توضیح جعفر شعار، تهران: امیرکبیر

افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۷۹) *سفرنامه اصفهان*، به کوشش ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اشپولر، برتولد (۱۳۶۴) *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم احمدی، تهران: علمی و فرهنگی

امین، سید محسن (۱۴۰۳ق) *اعیان الشیعة*، تحقیق سید حسن امین، بیروت: دار التعارف

اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳) *وضع مالی و مالیه مسلمین*، تهران: سروش

آصف‌زاده، سعید (۱۳۸۵) *مبانی اقتصاد و بهداشت و درمان*، قزوین: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی قزوین

اصطخری ابو اسحاق ابراهیم (۱۳۷۳) *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: سخن

بروکلمان، کارل (۱۹۶۹) *تاریخ الادب العربیه*، نقله الی العربیه عبدالحلیم نجار، قاهره: دارالمعارف بمصر

باسورث، کلیفورد (۱۳۸۱ش) *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات باز

بیک ارباب، محمدتقی(بی تا) *تاریخ دارالایمان*. به کوشش مدرسی. قم: بی‌نا.

بینس مایکل (۱۳۸۵) *سکه های عرب ساسانی، جامعه و اقتصاد عصر ساسانی*، حسین کیان راد، تهران: سخن

برودل، فرنـان (۱۳۷۲) *سرمایه‌داری و حیات مادی ۱۴۰۰-۱۸۰۰*، ترجمه بهزاد باشی، تهران: نشر نی

بیاتی، هادی و رجبی، علی‌اصـغر (۱۳۹۶) جغرافیای تاریخی قم با تکیه بر کتاب تاریخ قم، *تاریخنامه خوارزمی*، سـال پنجم، شماره ۱۸، صص ۹۶-۷۸

بوسعیدی، فرشته و دیگران (۱۴۰۲) مقایسه گونه‌های مالی‌نگاری در تمدن اسلامی با تأکید بر تک‌نگاری‌های مالی در پنج قرن نخست هجری، *نشریه تاریخ اسلام*، شماره ۹۶، صص ۱۲۰-۸۵

ترکمنی‌آذر، پروین (۱۳۸۴ش) *دیلمیان در گستره تاریخ ایران (حکومت‌های محلی، آل‌زیار، آل‌بویه)*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها

ـــــــــــ(۱۳۹۹) *تاریخ نگاری و تاریخ نگری مورخان ایرانی( قرن سوم تا ششم هجری)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سرلک، سیامک (۱۳۹۰) *باستان‌شناسی و تاریخ قم*، قم: شاخص

سـید مرتضـی، علی بن حسـین(۱۳۹۸) *الإنتصـار لما إنفردت به الإمامیهٔ*، محقق حسـین موسـوی بروجردی،مشـهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی

سرمد، زهره و همکاران (۱۳۸۶) *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چاپ چهاردهم، تهران: آگه

صولی، محمد بن یحیی (۱۳۴۱) *ادب‌الکتاب*، محقق: محمود شکری آلوسی، بغداد: مکتبه العلمیه

طبری(۱۴۱۷) *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دار الکتب العلمیه

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان( ۱۴۱۳ ق) *المقنعه*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید

شاکر الدجیلی، خوله(۱۳۷۹) *بیت‌المال: پیدایش و تحولات آن*، ترجمه محمدصادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۳۷۱) *اخبارالطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی

دعبل خزاعی(۱۳۷۶) *دیوان دعبل*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

درکسلر، آندرئاس (۱۳۸۳) تاریخ قم در قرون میانه، ترجمه سجاد جعفریان، *مجله آیینه پژوهش*، شماره ۸۸، صص ۶۰-۵۳

الدوری عبدالعزیز (۱۹۴۸) *تاریخ العراق الاقتصادی فی القرن الرابع الهجری*،بغداد: مطبعه دار المعارف

رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۷) سرسخن چیستی و سرگذشت تاریخ‌نگاری اقتصادی، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۲۱

رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۸) درآمدی بر تاریخ‌نگاری اقتصادی، *دو فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، سال سوم، شماره ۵

زینلی، بهمن (۱۳۹۸) *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۸) *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ویراستار حسن رضایی باغ‌بیدی، تهران: صدای معاصر

کرمر، جوئل (۱۳۷۵) *احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه*، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران: نشر دانشگاهی

کاظمی، علی( ۱۳۸۹) *فرهنگ‌نامه تاریخ و تمدن قم*. قم: انتشارات دارالکتاب

گراوند، مجتبی، نظری، داریوش و جعفری، فرشید (۱۳۹۷) اوضاع اقتصادی ایالت قهستان در قرون نخستین اسلامی، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا*، ۲۸(۴۰)، ۱۵۰–۱۷۱.

گل مکانی، وجیهه و فاطمه جان احمدی( ۱۴۰۲) «رابطه امنیت اقتصادی در امان‌نامه جوهر صقلی با شورش‌های سیاسی (دوره اول خلافت فاطمیان)». *فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا* (س)، سال ۳۳، دوره جدید، شماره ۵۸ (پیاپی ۱۴۸)، صص ۱۸۱–۱۵۵.

لمبتون، ان. ک. س. (۱۳۸۰) شرح و گزارشی از تاریخ قم، ترجمه نصرالله صالحی، *مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره‌های ۴۶ و ۴۷، صص ۷۱_۶۴

ـــــــــــــ (۱۳۳۹) *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

لین‌پول، استانلی (۱۳۶۳) *تاریخ طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب

جهشیاری، ابوعبدالله ابن عبدوس الکوفی (۱۹۳۸/۱۳۵۷) *کتاب الوزراء و الکتاب*، تصحیح مصطفی القا، ابراهیم الابیاری، عبدالحفیظ شلبی، قاهره: مطبعه مصطفی البابی الحلبی

*حدود العالم من المشرق الی المغرب* (۱۳۶۲) به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری

عرب‌زاده، ابوالفضل (۱۳۸۳) *جغرافیای تاریخی قم*، قم: نشر زائر

فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۹۳) *تاریخ قم*، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی

ـــــــــــــ (۱۳۶۵) *آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان*، گیلان: صبا

قزوینی، محمود (۱۳۷۱) *آثارالبلاد و اخبارالعباد*، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر

قدامه بن جعفر (۱۳۷۰)، *کتاب الخراج*، ترجمه و تحقیق حسین قرچانلو، نشر البرز، تهران

قنبری، صباح و نظری ایلخانی آبادی، طاهره (۱۳۹۱) رویکرد اقتصادی حمدالله مستوفی در نزهه‌القلوب، *پژوهش‌های علوم انسانی*، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۶۱–۱۴۳

قنوات، عبدالرحیم (۱۳۹۳) *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مستوفی، حمدالله (۱۳۷۸) *نزهه‌القلوب*، تصحیح و تحشیه سید محمد دبیر سیاقی، قزوین: نشر طه

مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۶۴) *قم‌نامه (مجموعه مقالات و متون درباره قم)*، قم: کتابخانه نجفی

مشهدی، محمد (۱۳۸۴) جغرافیای تاریخی منطقه کاشان در تاریخ قم، *مجله تخصصی مرکز کاشان‌شناسی*، دانشگاه کاشان، شماره اول، صص ۱۰۰-۸۸

مقدسی، محمد بن احمد (۱۴۱۱) *احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم*، قاهره: مکتب مدبولی

محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۹۸) *روش تحلیل محتوا*، تهران: دانش‌نگار

مایلز، جی سی (۱۳۶۳) *سکه شناسی تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر

متحده، روی پرویز (۱۳۸۸) *اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه*، ترجمه محمد رضا مصباحی و علی یحیایی خانه آبی مشهد

معروفی، یحیی و یوسف‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۸) *تحلیل محتوا در علوم انسانی*، همدان: سپهر دانش

نورصادقی، حسین (۱۳۱۶) *اصفهان*، تهران: چاپخانه سعادت

نورث، داگلاس سی( ۱۳۷۷) *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: سازمان برنامه و بودجه

نائینی اردستانی کچوئی قمی، محمدعلی بن حسین(۱۴۲۳ه) *انوار المشعشعین*. تحقیق: محمدرضا انصاری قمی. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۳۵۵) *صحاح‌الفرس*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

هیوود، اندرو(۱۳۸۷) *مفاهیم کلیدی در علم سیاست*، ترجمه حسین سعید کلاهی و عباس کاردان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

یعقوبی(۱۳۶۶) *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران

Bosworth, C. E. (1991), Some Remarks on the Terminology of Irigation Practice and Hydraulic Construtions In the Eastem Arab and Iranian Worlds in the Third-fifth Centuies A.H., *Joumal of Islamic Studies* 2:1 pp. 78-85.

Juliet Gardiner (1988), *What Is History Today,* Humanities Press International, U.S.A

Lambton (1948), *An Account of the Tarikhi Qumm, Bulletin of the School of Oriental Studies,* Vol XII, Part 3 and 4

Treadwell, Luke. (2001), *Buyid Coinage: A Die Corpus,* 322-445A.H., Oxford

ویرایش نشده